**مصاحبه با MAPrivateKabul26082018**

**تاریخ 26 اوگست 2018**

**مصاحبه در محل تولید**

ک: از یک معرفی مختصر از شما شروع می کنیم که ده شرکت چی کاره هستید و ده چی ظرفیتی کار می کنید.

MAPrivateKabul26082018: [نام شخص] هستم رییس شرکت [نام شرکت] ده بخش زیورات یک مدتی است که کار می کنم. از انستیتوتِ فیروزکوه سال 2012 فارغ شده ایم.

ک: شرکت چه تعداد کارگر؟

MAPrivateKabul26082018: شرکت [نام شرکت] 10 عضو یا کارگر داره که 2 دخترخانم اس و 8 پسر هستیم.

ک: شکل استخدام کارگرها، دایمی هستند یا مقطعی؟

MAPrivateKabul26082018: قراردادی هستن. یک ساله قرارداد میشه همرایشان. باز اگه خوششان آمد باز قرارداد می کنیم اگه نیامد و کدام مشکل کتی کارخانه یا کتی ما یا صاحب کار خودش نبود باز قرارداد ما ره تمدید می کنیم و باز اگه کدام مشکلی بود باز تمدید نمی کنیم.

ک: پس کارگرها به اساس سال؟

MAPrivateKabul26082018: بله! سالانه.

ک: معاش شان ماهانه پرداخت میشه؟

MAPrivateKabul26082018: ها ماهانه اس.

ک: تولید شرکت به چی شکل اس؟ با دست، قسما دست قسما ماشین، نیمه اتومات یا کاملا اتومات؟

MAPrivateKabul26082018: از ما که است صنایع دستی اس. تمام کارهای ما صنایع دستی اس. کار دست اس. فقط بعضی ماشین آلات داریم که از او استفاده می کنیم به حساب ما او ره حلاجی میگیم که نقره ره سیم جور می کنه یا برای [نامفهوم] از او استفاده میشه و به خاطر حکاکی سنگ بعضی ماشین ها داریم که او هم یک پنجاه فیصد با دست اس. همین ماشین ها هم کار دست گفته میشن. ماشینی گفته نمیشن. کار دست اس مکمل.

ک: فروشات تان به چه شکل اس؟ نرخ حد اوسط یک کالای شما به چی حد اس؟ به اساس وزن اس یا؟

MAPrivateKabul26082018: ما که هستیم بیشتر بخش پرودکش [؟] فیروزکوه ره پیش می بریم. یک دیزانیر [مثلا] یک دیزاین خوده می آوره ما دیزاین او ره می بینیم و برایش نرخ گذاری می کنیم. نرخ میتیم دفتر ره که ما به اینی قیمت این کار ره درست می کنیم. باز اگه دفتر موافق بود باز همو فرمایش ره میته و ما باز کار ره شروع می کنیم. این طور به حساب وزن ما چیزی سودا نمی کنیم.

ک: پس تمام تولیدات شما به اساس سفارش اس؟

MAPrivateKabul26082018: ها سفارش اس.

ک: پیش‌تولید هیچ ندارید که کسی خریداری پیدا شد یا نشد؟

MAPrivateKabul26082018: داریم تولید برای بعضی نمایشگاه ها و اینها که میریم، سفارتخانه ها و کمپ ها که میریم یگان مهمانخانه ها و اینها، یک مقداری، دو کیلو یا سه کیلو مال نقره و برنج و طلا و اینها آماده داریم و اونها ره می بریم ده نمایشگاه برای فروش.

ک: حد اکثر سطح تولیدتان برایتان معلوم اس که ده یک ماه یا ده یک سال چقدر تولید میتانین؟

MAPrivateKabul26082018: ده یک ماه حدود 200 قلم کار ره میتانیم تولید کنیم.

ک: همین حداکثر ظرفیت تولیدی تان اس؟

MAPrivateKabul26082018: ها!

ک: باز این حد را میتانین ده این وقت ها تولید کنید یا خیر؟

MAPrivateKabul26082018: اول که کار می کردیم بسیار کارها خوب بود بسیار زیاد بود. یگان وقت ما شب‌کاری می کردیم، روز کار می کردیم، اضافه کاری می کردیم. خو یک مدت دو سال میشه که کارها بسیار خراب شده. ما ده همو ماهی یک 30 قلم یا 40 قلم کار زیادتر کار نمی کنیم.

ک: سابق ها میتانستید حداکثر ظرفیت [200 قلم ده ماه] ره تولید کنید حالی تنها 30 تا 40؟

MAPrivateKabul26082018: ها حتا از 200 بالا کار می کردم. شب کار می کردیم تا صبح ره.

ک: حالی نمیتانین؟

MAPrivateKabul26082018: حالی همو نهایتش 50 قلم یا 30 قلم کار. او هم اگه فرمایش بیایه.

ک: سابق ها چی رقم بود باز میتانیستید پیش‌تولید داشته باشید بدون این که به اساس سفارش تولید کنید؟

MAPrivateKabul26082018: وقت نداشتیم زیاد که برای خود تولید کنیم. بسیار کم وقت داشتیم. بعضی چیزها داشتیم آماده از فرصت استفاده می کردیم. مثلا اگه یک فرمایش 30 دانه برای ما می آمد باز ده پهلوی این 30 دانه یک 10 دانه به کار خود هم پیش می کردیم یکجای کتیش خلاص می کردیم. ولی حالی زیادتر وقت داریم که به خود تولید کنیم نسبت به فرمایش های بیرون.

ک: تولید می کنید باز به خود؟

MAPrivateKabul26082018: ها تولید می کنیم.

ک: باز دکان دارید که آنها ره می فروشید؟

MAPrivateKabul26082018: پیشتر برایتان عرض کردم که آنها ره که ما به سفارتخانه ها و نمایشگاه ها و کمپ ها و مهمانخانه های و اینها که خارجی ها زیادتر میباشه، دعوت میشیم باز اونجه میریم به فروش.

ک: پس مارکیت شما بیشتر متمرکز بالای [قطع]

MAPrivateKabul26082018: ها زیادتر بالای خارجی ها اس. به افغان ها بسیار یک [فیصدی کم]. 80 فیصد ما خارجی ها اس و یک 20 فیصد افغان ها اس.

ک: که آنها هم شاید ده بیرون زندگی کنن؟

MAPrivateKabul26082018: ها زیادترشان افغان هایی اس که ده بیرون زندگی م یکنن. و افغان های داخل ما کمتر علاقمند هستند. به خاطری که چیزهایی که ما درست می کنیم سنگ هایش اصلی اس. کار دست اس و قیمتش بالا اس و افغان های ما توانایی خرید ندارند. زیاد علاقمندی ندارند. زیادتر ده طلا و کارهای ماشینی علاقمندی دارند مردم افغانستان. از او خاطر زیادتر ما برای خارجی ها کار می کنیم.

ک: برای ایجاد شرکت ده اول طبعا شما به منبع مالی نیاز داشتید. شما این ره از بانک قرض گرفتید، کمک مالی دولت بود، کاملا شخصی بود، کمک بلاعوض کدام سازمان غیردولتی بود – مثل تورکویز مونتون – یا قرضه ی دوره ای بود که مثلا اعضای جامعه جمع میشن و پول جمع می کنن که [قطع]

MAPrivateKabul26082018: ما که نو فارغ شدیم ده سال 2012 شش تا هم‌صنفی ها بودیم. خواستیم یک شرکت جور کنیم. باز اول سنجیدیم چقدر مصرف داره. نفری چهار چهار صد دالر انداختیم از جیب شخصی خود، از پیسه ی شخصی خود. و شروع کردیم به کار. باز آهسته آهسته که کار خوب شد سرمایه زیادتر شد، سنگ خریدیم، نقره زیادتر خریدیم، ماشین آلات زیادتر خریدیم. حالی از همو شش نفر فقط مه ماندیم دیگه ها همه رفته اند خارج.

ک: و یک شما شرکت ره حفظ کرده اید؟

MAPrivateKabul26082018: ها تنها مه ماندیم که شرکت ره حفظ کردیم.

ک: اول که شرکت ره ایجاد کردید پس به شکل اشتراکی بود و از این شش نفر هیچ کدام رییس نبود؟

MAPrivateKabul26082018: ها همه مساویانه شریک بودیم. برای دو سال همگی بود و بعد از دو سال کم کم [...] کارها اونقدر خوب نبود ده اول. تا آن که شرکت یک کمی معروف شد و نام پیدا کرد و کارها یک کمی خوب شد و باز دو نفر ماندیم. یک شریکم هم یک سال زیادتر میشه که رفته کانادا [شریک آخری].

ک: اینها از طریق درآمد شرکت خارج رفتند؟

MAPrivateKabul26082018: یک تایش نامزد بود. عروسی کرد و کارهایش جور شد. و یکیش از طریق همین انستیتوت فیروزکوه یک نمایشگاه جور شد رفت اونجه دوباره نیامد. به همین شکل.

ک: باز این شرکت های دیگه چی رقم؟

MAPrivateKabul26082018: دو تای دیگرش به شکل استاد ده همی انستیتوت فیروزکوه به کار شروع کردند. یک نفرش به یک بانک شخصی رفته. عزیزی بانک اس که ده همونجه کار می کنه. او حسابداری ره خوانده بود.

ک: آنها پس کار زرگری ره باصرفه نیافتند یا خوششان نیامد؟

MAPrivateKabul26082018: والله کس هایش که منحیث استاد به موسسه فیروزکوه به کار شروع کردند معاش خوبتر میداد برایشان. عاید خوبتر داشتند. گفتند میریم اونجه. کس های که خارج رفتند خوبتر دانستند خارج ره از اینجه کرده و یک شریک ما که رفت ده بانک، او معاش خوبتر میدادش. او هم به خاطر معاش رفت. دیگه گفت راحتتر اس نسبت به جور کردنِ زیور و اینها. و اونجه مسؤلیتش هم کمتر بود.

ک: ارزش کلی دارایی های شرکت به چی اندازه اس؟

MAPrivateKabul26082018: فعلا کل شرکت ده حدود 10 هزار دالر سرمایه داره.

ک: به شمول ماشین آلات و همه چیز؟

MAPrivateKabul26082018: بله همه چیزها.

ک: معاش کارگرها چند اس؟

MAPrivateKabul26082018: بلندترین معاش مه 10 هزار روپیه اس، تا پایینترینش 4 هزار روپیه اس.

ک: کس های که 10 هزار می گیرن مسلکی هستن؟

MAPrivateKabul26082018: ها! سه نفر 10 هزاری می گیره. که از همی انستیتوت فیروزکوه فارغ شده اند باز پیش خود مه کار می کنن.

ک: متباقی همه 4 هزار معاش می گیرن؟

MAPrivateKabul26082018: متباقی 4 هزار، 6 هزار، 5 هزار.

ک: شرکت شامل کدام اتحادیه صنعتی است؟

MAPrivateKabul26082018: شرکت ها زیاد اس و یگان مشوره می کنیم بین خود. ولی این طور یک چیز نداریم که نظر بته که اینی کاره او کنه و اینی کار ره مه کنم. بین خود یک نظر تبادله کنیم، این طور یک چیز نداریم تا فعلا. این طور یک اتحادیه ای نداریم. فقط یگان وقت که سر میخوریم بعضی گپ ها ره بین یکدیگر شریک می کنیم بس.

ک: شرکت ره گفتید از چند سال به این طرف فعال اس؟

MAPrivateKabul26082018: از 2012 به این سو.

ک: سابق ها به خاطر گذشتاندن وقت فراغت چی می کردید و حالی چی می کنید؟ ساعتتیری میگیم به اصطلاح عام.

MAPrivateKabul26082018: قبلا محصل بودم ده انستیتوت فیروزکوه. ده سال 2009 آمدم ده انستیتوت شروع کردم به درس. بشخص زیورسازی ره مه سه سال درس خواندم. دیگه از ساعت 8 تا 4 بجه همینجه مصروف بودیم. بعد از 4 دیگه خانه میرفتیم کدام مصروفیت خاصی نبود. ورزش بود می کردیم.

ک: همراه دوست ها و رفیق ها؟ آخرهای هفته؟

MAPrivateKabul26082018: ها روزهای رخصتی هم می رفتیم یگان سو. زیادتر ده کابل پغمان و قرغه و اینها میرن. کتی دوست ها و اینها می رفتیم. دیگه این طور زیاد ده دوره ی شاگردی زیاد اجازه ی فامیل ره نداشتیم که جایی بریم. بیرون از شهر بریم. فقط بعضی وقت ها میرفتیم یگان سو چکر. یا یگان جای که سیر علمی باشه. مثلا مزار یک چند بار همراه موسسه ی فیروزکوه رفتیم. یک دو دفعه.

ک: ازدواج هم کرده اید؟

MAPrivateKabul26082018: بله ها. سه سال شد.

ک: یک بار؟

MAPrivateKabul26082018: بله ها [خنده]

ک: کتاب هم می خوانید؟

MAPrivateKabul26082018: شبانه مه یک بار کتاب میخوانم ها.

ک: چی نوع کتاب هایی؟

MAPrivateKabul26082018: زیادتر کتاب های تجاری میخانم یا معلومات می گیرم. زیادتر [...] و داستان های که بسیار جالب باشه برایم. از زندگی اشخاصه اگه خوشم بیایه همونها ره می خوانم. روحیه دادن به زندگی کدن ره خوش دارم، یگان کتاب های که روحیه ام بالا شوه.

ک: موسیقی چی؟ چی نوع گوش میتین؟

MAPrivateKabul26082018: زیادتر موسیقی آرام.

ک: افغانی، هندی...؟

MAPrivateKabul26082018: زیادتر افغانی و بعد از او ایرانی گوش میتم. و هندی هم کم کم.

ک: ده اجتماعی که زندگی می کنید تصویر شما و تصویر مردم از موقعیت مالی شما چیست؟ پولدار، مرفه، متوسط، کمدار و فقیر؟

MAPrivateKabul26082018: زندگیم متوسط اس فعلا. همین قدر کار میشه که پس مصرف میشه. این طور برای ذخیره و برای چیزی برای ما نمیمانه. زندگی نورمال پیش میره. پیسه داری پیسه دار هم خوده زیاد احساس نمی کنم و این طور غریب هم خوده احساس نمی کنم. متوسط اس دیگه زندگی ما. اگر چه دو سال زندگیم خوبتر بود از حالی کرده. سطح اقتصادم هم بهتر بود. یعنی مه از همی پول شخصی خود عروسی خوده کردیم، موتر خریدیم، یک مقدار برای فامیل کمک می کردم. حالی که ازدواج کردیم همو خانواده خودمه میتانم حمایه کنم. چیزی به ذخیره نمیمانه.

ک: مردم محل باز چی تصور دارند که شما ده چی سطح هستید؟

MAPrivateKabul26082018: [خنده] والله زیادتر کس های که آگاهی ندارند از کار و بار مه، میگن که کارش خوب. میگن که زرگر اس، نام داره [خنده]. خو ولی زرگر [...] زیادتر ده افغانستان که بگویی زرگر اس فکر می کنه طلا فروش اس و حتما طلا زیاد داره. حتما یک 3، 4 کیلو طلا پیشش اس. ولی از ما خو تولید اس. تولید خو او قدر عاید نداره. کمتر اس عایدش. او هم منتظر باش که برایت یک کسی فرمایش بته که جور کنی. تا که فرمایش نته بیکار هستی.

ک: تحصیلاتتان ده چی حد اس؟

MAPrivateKabul26082018: مه فارغ 12 هستم.

ک: و سه سال ده فیروزکوه؟

MAPrivateKabul26082018: ها همین فارغ 12 از فیروزکوه شدیم.

ک: اگه وقتش ره داشته باشید از اینها [سه گزینه]

MAPrivateKabul26082018: زیادتر به خاطر نمایشگاه و اینها میرم. ولی برای [...] فعلا به خاطری، ده جایی که زیاد پیسه مصرف شوه مصرف نمی کنم.

ک: منظورم از فراغت بود، وقتگذرانی و اینها!

MAPrivateKabul26082018: خو! وقت گذرانی مه زیادتر سپورت میرم، ورزش می کنم. باد از 5 بچه میرم یک یک ساعت واری سپورت می کنم باز بس.

ک: فعلا ده کدام نقطه ی شهر زندگی می کنین؟

MAPrivateKabul26082018: فعلا ده تایمنی هستیم ده سرکت 7 تایمنی.

ک: قبلا هم ده تایمنی بودید؟

MAPrivateKabul26082018: نی. اصل جای ما از چهاردهی هستیم از دهمزنگ.

ک: یعنی توانسته اید از برکت تولید محل زندگی تان ره بهبود ببخشید؟

MAPrivateKabul26082018: والله خوبتر اس ولی سابق که زندگی می کردیم جای بد نبود. چهاردهی که بود ده دهمزنگ خانه از پدرکلانی بود. باز سودا شد. ها حالی خوبتر اس نسبت به دهمزنگ.

ک: اولاد دارید؟

MAPrivateKabul26082018: یک دخترک دارم.

ک: ده سن مکتب خو نرسیده؟

MAPrivateKabul26082018: نی یک و نیم ساله اس.

ک: برادرها باز مکتب خصوصی میرن یا دولتی؟

MAPrivateKabul26082018: برادر کلانم مثل مه تا 12 مکتب خواند و او نجار اس فعلا. یک دو برادرم دیگرم اس که یکیش حقوقه می خوانه و دیگرش اقتصاده می خوانه.

ک: ده پوهنتون کاب[قطع]

MAPrivateKabul26082018: پوهنتون های شخصی.

ک: برای ایجاد شرکت ده اول کی ها برای شما کمک کردند؟ اعضای فامیل، دوست و رفیق، خویش و اقارب، اعضای جامعه؟

MAPrivateKabul26082018: فامیل خو کمک مالی نکردند به خاطری که خودم هم نخواستم. یک مقدار پیسه داشتیم [از خود]. از نگاه کمک، فیروزکوه همراه ما کمک کرده. جای داده برای ما ده اول ها، بدون کدام کرایه و مصرف برق و اینهایش ره به ما داده. کمک های زیادتر فیروزکوه کرده همراه ما.

ک: از برکت برکت شرکت چند موتر دارید و مدلشان چی اس؟

MAPrivateKabul26082018: فعلا خو موتر ندارم یک دو سال میشه که موتر ره فروختیم [لبخند]. یک کورولا داشتم، کورولای 1997.

ک: حج هم رفته اید؟

MAPrivateKabul26082018: نی.

ک: سفرهای تفریحی رفته اید به خارج از افغانستان؟

MAPrivateKabul26082018: سفر تفریحی نرفتیم. به خاطر نمایشگاه و اینها رفتیم. به درس رفتیم.

ک: کدام کشورها مثلا؟

MAPrivateKabul26082018: هند رفتیم. و یک سفر دو، سه ماه پیش به ازبکستان داشتم.

ک: چند باب خانه دارید؟

MAPrivateKabul26082018: خانه ی شخصی نداریم فعلا هم کرایه میتم. زندگی مه مستقل اس، از پدر و مادرم جدا هستم. فعلا یک خانه گرفتیم کرایه میتم.

ک: یک تصویری از دوست هایتان؟

MAPrivateKabul26082018: زیادتر دوست های ما آدم های مسلکی است مثل خود ما ده بخش صنعتی کار کردن و اینها. دوست هایم آدم های خوبی هستن [خنده]. اندیوال هایم بیشتر زرگر هستن یا حکاک هستن یا یک بخش دیگری صنایع دستی ره پیش می برن.

ک: از 2012 به این طرف مسایل امنیتی به گونه ی مستقیم یا غیر مستقیم بالای صنعت شما چی گونه تأثیرگذار بوده؟

MAPrivateKabul26082018: مشکل بزرگ ما همی امنیت اس. امنیت نیسته فعلا. خصوص بعد از این که [...] همی دورانِ اشرف غنی خو ما بسیار زیاد ضربه دیدیم، شرکت. همی شرکت خودم بسیار پس‌مان شد. به جای که رو به بالا بره، رو به سقوط بود. هیچ کار و بار ما صحیح نبود، امنیت خراب بود، فروشات ما کم شد، خارجی ها نسبتا کم شده یا علاقمندی ندارند بیرون برآیند. زیادتر [سابق ها] نمایشگاه میشد زیاد. هفته ی یک دفعه خو یک نمایشگاه میرفتیم. حالی دو ماه بعد سه ماه بعد یک نمایشگاه میشه. ده همو هم فروشات بسیار کم شده. دیگه زیادتر ما که فکر می کنیم همی امنیت اس. امنیت ما صحیح نیس. مردم بیچاره شده اند زیاد خریدار ندارند. سابق خوب بود که ده دورانِ کرزی یک 30 فیصد مردم افغان از ما خرید داشتند. حالی یک 10 فیصد هم نمی خرند از ما افغان ها. امنیت بسیار رول بالا ره داره ده کار ما. امنیت خوب باشه کار و بار ما خوب اس. به خاطری که کار ما نیاز نیس، شوق اس. یک نفر شوق کد یک انگشتر جور می کنه. نیاز مثل خوراکه اس که آدم نخوره میمره. کار ما شوق اس که شخص به خود یا به خانم یا اولاد خود یا دخترخانم ها به خود فرمایش میتن. مردم اقتصادشان پایین شده. سابق خوب بود مه ماهی یک 20 هزار 30 هزار مه از افغان ها عاید می کردم. حالی ده ماهی 2 هزار افغانی هم از افغان ها عاید نمی کنم.

ک: ده بازار شما بیشتر تقاضا از سازمان های خارجی و خارجی ها، و اگر امنیت خوب شوه هم دوباره او تقاضا بر نمی گرده!

MAPrivateKabul26082018: اگه امنیت خوب شوه هیچ نیاز نیس که ما کتی خارجی ها کار کنیم. خود افغان های ما می خرند و خود توریست ها می آیند ده کابل. مثلی که – مه خو سنم خُرد اس – دوست های ما که زیادتر ده کوچه ی انتیک فروشی بودند آنها خو مثل ما ده نمایشگاه نمیرفتند یا مثل انستیتوت فیروزکوه نداشتند که برایشان کمک می کرده. همی خارجی ها می آمدن، توریست ها ده همو کوچه ازیشان خریداری می کرد. به نظرم اگه امنیت خوب شوه شاید سابق ها واری توریست ها زیادتر شوند بیایند خرید و فروش زیاد شوه.

ک: تصمیم گیری ده شرکت متمرکز یا غیر متمرکز؟

MAPrivateKabul26082018: مه خو یک پارتینر هم دارم که اگه یک فرمایش می آیه می نشینیم سرش بحث می کنیم که چقدر پیسه کار داره چقدر نقره کاره داره و چقدر مصرف. اینها ره کلشه تصمیم می گیریم. همراه پارتیرن [partner]. باز او بخش کار که خلاص شد باز به کارمندهای خود توضیح میتیم.

ک: پس یک سهمدار هنوز هم دارید؟

MAPrivateKabul26082018: بله. از شریک های سابقم نیسته [اما]. این نو همین دو سال میشه که سهم دادیمش. یک ذره مشکلات آمد باز مه ای ره سهم دادم ده کار خود. یک مقدار پیسه کار داشتم برای کارخانه و اینها.

ک: برای ادامه ی کارتان ضرورت داشتید پول از کسی؟

MAPrivateKabul26082018: بله ها.

ک: به کارگرها برعولاه ی معاش چی سهولت ها و امتیازهای دیگه می دهید؟

MAPrivateKabul26082018: یک نان چاشت برایشان میتیم و اضافه کاری که بعد از وقت کار کا از 8 تا 4 کتی مه کار می کنن، بعد از 4 که کار کنن اضافه کاری برایشان داده میشه.

ک: ساعت وار؟

MAPrivateKabul26082018: بله.

ک: چند میتیم ساعتی؟

MAPrivateKabul26082018: ساعتی 50 افغانی.

ک: باز اینها شامل کدام اتحادیه ای یا کدام تشکلی هستند؟

MAPrivateKabul26082018: نخیر نیستن.

ک: ده قسمت نهادهای دولت چی؟ کدام نهاد دولتی که شما ماهانه چند باری با آنها ببینید و آنها ده قسمت رُشد کار شما مشوهر بدهند؟

MAPrivateKabul26082018: ده نهادهای دولتی خو کسی نیس. فقط ده بخش ی.اس.آی.دی، سفارت امریکا که سالی یک دفعه یک نمایشگاه گرفته میشه ده بیرون از افغانستان. که دو سال اس که اشتراک کردهایم، دوسال اس که شروع شده. سال قبلی ده هندوستان بود و امسال هم ده هندوستان اس. یک نمایشگاه می گیرن به خاطر رُشد صنایع دستی افغانستان. دیگه از طرف دولت کدام مرجعی نیامده که به [قطع]

ک: هیچ کمکی نشده؟

MAPrivateKabul26082018: هیچ کمکی نشده نی.

ک: قبلا از این که صنعت تان ره تأسیس کنید به شما کدام نهادی معلومات داد که شما ده این بخش پولتان ره مصرف کنید؟

MAPrivateKabul26082018: نخیر نی.

ک: رابطه ای با نهاد عام المنفعه ای هم دارید که شما به اساس یک برنامه به آن کمک کنید؟

MAPrivateKabul26082018: نخیر نی.

ک: کدام وقتی شده که از 2012 به این طرف به این فکر شده باشید که این کار با صرفه نیست و دروازه اش ره خواسته باشید ببندید و به یک کار دیگری بپردازید؟

MAPrivateKabul26082018: والله ده همین مدت دو سال [دو سال اخیر] یک چند دفعه، یک دو، سه دفعه زیادتر تصمیم داشتیم ولی باز هم خودمه خود تسلی دادیم که صبر کو خوب میشه. اگه نی چندین بار همی خود شریکم هم گفته که باید بسته اش کنیم دیگه.

ک: همین که گفتید تسلی دادم به خود که خوب میشه. چی خوب میشه؟

MAPrivateKabul26082018: خوب میشه آهسته آهسته. امروز نی صبا خوب میشه [خنده]. امنیت خوب میشه کار پس خوب میشه. ولی تا به حالی خو ده همی دو سال خوبیت ره هیچ ندیدیم. ده همی دو سال کار ما پایین رفته میره روز به روز.

ک: برعلاوه ی امیدواری، از لحاظ مالی چرا خواسته اید به این کار ادامه بدهید؟

MAPrivateKabul26082018: فقط خواستیم از مسلکی که خواندیم از همین دور نشیم. اگه نی مه بسیاری وقت سپورت هم کدیم و ده بخش سپورت هم مه ره چند جای به حیث ترینر می گرفتن، نرفتیم. از خاطری که نخواستیم از مسلکم دور شوم. گفتیم که ده همی کار باید باشم. انشاالله ای خوبتر میشه. و فامیلم هم خوش نبوده که مه از این مسلک خود دور شوم. و مشکلات تیر میشه [دیگه] آدم گاهی وقت همی مشکلات زیادتر مواجه میشه. بعضی وقت خوب میشه. یعنی ده همی طول همین دو سال این طور یک عایدی نکردیم که خوش باشم که اینه این ماه ماند برای ما یک هزار دالر یا 5 صد دالر. همین قدر شده که مصرف کارخانه شده و مصرف فامیل شده. و بعضی وقت ها حین قرضدار می مانیم. از بعضی مواد و اینها که می گیریم، سنگ که می گیریم.

ک: بازاریابی و فروشات ده کدام شهر؟

MAPrivateKabul26082018: زیادتر ده کابل اس دیگه [قطع]

ک: صادرات هم دارید؟

MAPrivateKabul26082018: همین انستیتوت فیروزکوه گفتم که همراه بخش پرودکشن اس. کار کتیش می کنیم و همو یگان فرمایش هایی می گیره و جور می کنیم و روان می کنیم.

ک: او تا چی حد نقش داره ده قسمت ادامه ی تولیدتان؟ اوجه خو همیشه مارکیت اس. از اول چقدر سفارش [خارج از افغانستان] می گرفتید برای صادرات تان و حالی [قطع]

MAPrivateKabul26082018: ما خو ده همی فکر هستیم که اینجه خو امنیت خراب اس اونجه چرا کارها کم شده. فرمایشات کم شده. نمی فهمم که تأثیر چی اس، ده بیرون از افغانستان. یعنی سابق هم ما امیدواری ما بالای بازار افغانستان نبود. زیادتر خوش بودیم که ده بیرون از افغانستان کار کنیم. ولی ده همی چند مدت بازارهای بیرون هم خراب شده یعنی تولیدات ما نسبت به سابق اگه ده ماهی یک 200 قلم کار از بیرون می آمد به ما. حالی ده ماهی 10 قلم هم به ما فرمایش نمی آیه. دیزاینرها مچم [...] یا کار اونجه کم شده. نمی فهمم که مشکل چی اس. انستیتوت فیروزکوه هم پرسان می کنیم میگن فرمایش نیس. کلا فرمایش نیس.

ک: سابق بود؟

MAPrivateKabul26082018: ها سابق زیاد بود و حالی نمی فهمم که تأثیر چی اس که بازار او سون ها هم خراب شده.

ک: آخرین بار ده کدام سال بالای توسعه ی شرکت پول مصرف کردید؟

MAPrivateKabul26082018: همین دو سال پیش که مه پارتینر گرفتم ده حدود 3500 دالر مه ازش پیسه گرفتم، شریک شد، و پیسه اش ره مه ده کارخانه مصرف کردم. مثلا ماشین آلات و بعضی چیزها ضرورت داشتم. مواد خام بسیار ضرورت داشتم. پولشه گرفتم و باز شریک ساختمشه.

ک: درآمد شرکت ده چی حد اس؟ سابق و حال؟

MAPrivateKabul26082018: سابق همو کمترین فروشات ما 3 هزار دالر بود ده یک ماه. حالی زیادترین فروشات ما 400 دالر، 300 دالر اس، ده ماهی. زیادتر وقت مه پول شاگرد ره هم از همی پول شخصی خود دادیم. مه 10 هزار دالر ده اکونتم داشتم حالی یک افغانی هم درش نمانده. کلش مصرف شده.

ک: بیشترین تعداد کارگری که استخدام کرده اید؟

MAPrivateKabul26082018: 12 نفر بوده. یک چهار سال پیش.

ک: مواد خام، داخلی یا بیرونی؟

MAPrivateKabul26082018: مواد خام ما از قبیل نفره و اینها کلش از پاکستان می آیه. یک سنگ اس، همی سنگ های قیمتی کلش از افغانستان اس. از همی کوچه ی انتیک فروشی از شهر نو.

ک: باز یک کیلوی او ره چقدر می خرید شما؟

MAPrivateKabul26082018: فرق می کنه. لاجورد اس که یک کیلویش ره 500 افغانی هم می خریم. لاجورد بسیار بالا بخریم تا 50 هزار افغانی هم اس کیلویی.

ک: تا چه اندازه ده تولیداتتان مواد خام داخلی سهم داره؟

MAPrivateKabul26082018: مواد داخلی خو هیچ چیز نداریم. به غیر از سنگ دیگه تمام چیز ما از پاکستان می آیه. ماشین آلات، نقره، برنج، سلور، دیگه تمام چیزهای ما از پاکستان می آیه. فقط سنگ باب از افغانستان اس.

ک: کارگرها: از محل، از همقومی، همولایتی، خویش و اقارب و اینها؟

MAPrivateKabul26082018: کارمندهایم کلش از همین ده کابل زندگی می کنن. و از دوست ها و اقاربم کسی نیس. تمامش همی بچه هایی بوده که ده همی انستیتوت فیروزکوه کار کرده اند. باز آمده اند اینجه کارمند شده اند. همو سه دانه شاگرد دیگه ایم است که مه خودم برایشان یاد دادیم.

ک: ماشین آلات شما به درد یک نوع تولید می خوره؟

MAPrivateKabul26082018: همی ماشین های زیوارت مخصوص زیوارت اس.

ک: او ره باز میشه که ه ماکریت بفروشید؟

MAPrivateKabul26082018: ها به پیسه ی بسیار کم میشه بفروشی.

ک: رقابت با رقیب های داخلی و خارجی؟

MAPrivateKabul26082018: بعضی شرکت ها ده داخل افغانستان رقابت داریم. که ده همی انستیتوت فیروزکوه کار می کنن. کتی همینها یک رقابت سالم داریم. کوشش می کنیم تولیدات ما از دیگه شرکت کرده خوبتر باشه. بعضی وقت شده که ما از رقابت ضربه دیده ایم. مثلا ما یک جنس ره فرمایش داده ایم ولی [یک شرکت دیگه] بسیار یک قیمت پایین دادیشه. ما ضربه خورده ایم و نتوانسته ایم [تولید کنیم]. او قیمتی که او داده ما خود ما هم نفهمیده ایم که چی رقم او قیمته داده. بسیار ارزان داده.

ک: آنها هم به اساس سفارش تولید می کنن؟

MAPrivateKabul26082018: ها مثل ما واری. همو فرمایش می آیه و هر کس نرخ میته و نرخ هر کسی که قبول شد.

ک: فروشات تان بیشتر به نقد اس یا قرض؟ اوگرایی میگن.

MAPrivateKabul26082018: نی زیادتر نقد اس. ما قرض فروشات نداریم. مواد خوده نقد می خریم. بسیار کم اگه مواد مثلا [اگه] کم از دکاندار قرضدار می مانیم. ده همی دو سال شده که دیگه هم از دکاندارها قرضدا می مانیم که مواد خام می خریم ازیشان. زیادتر کوشش می کنیم که نقد بخریم.

ک: تبلیغات و بازاریابی تان به چی شکل اس؟

MAPrivateKabul26082018: ما که زیادتر ده نمایشگاه ها و اینها که میریم بروشر داریم که می بریم توزیع می کنیم. بزنس کارت های خوده میتیم. و یگان تجار و اینها ره که می بینیم که ده بخش زیوارت کار خوب اس کتی او میریم می نشینیم صحبت می کنیم که اگه علاقمندی پیدا کنه. کار خوده و مسلک خوده برایشان توضیح میتیم.

ک: پس بیشتر رو در رو اس؟

MAPrivateKabul26082018: بله.

ک: ده 24 ساعت چند ساعت شما کار می کنید؟

MAPrivateKabul26082018: هشت ساعت.

ک: کارگرهای دیگه؟

MAPrivateKabul26082018: 8 ساعت آنها هم.

ک: این طور شده که از پول شرکت ده یک بخش غیرتولیدی سرمایه گذاری کرده باشید؟

MAPrivateKabul26082018: نی والله نشده!

ک: یک سوال آخر: چرا ده بخش تولید؟ چرا همین بخش ره خواندید ده فیروزکوه ؟

MAPrivateKabul26082018: مه همین بخش زیورات ره بسیار علاقمندی داشتم. مه اصلا خودم خیاطی می کردم. ده همی لباس های گندهای افغانی ره جور می کردم.

ک: ده کدام سال ها؟

MAPrivateKabul26082018: ده سال های 2007 و همین وقت، ده کوچه ی انتیک فروشی مه لباس های افغانی می فروختم. خیاطی بودم. یک چهار سال شاگردی کرده بودم ده همونجه باز دکاندار شدم. یک استادم باز ده همینجه که فیروزکوه که درست شد [ایجاد شد] باز استاد بود ده اینجه. استاد [نام استاد] که بسیار استاد ورزیده بود و بسیار خوب زیور جور می کرد و بسیار علاقمندی پیدا کردم که همی مسلک ره مه یاد بگیرم. باز آمدم ده همی فیروزکوه درس خواندم. بعد از این که فارغ شدیم گفتم بعد از این که این سه سال درس خواندیم باید یک ثمر از این بگیریم. سه سال ما خو تیر شد ده اینجه. باز آمدیم شرکت جور کردیم. شرکت زیورات.

ک: چرا علاقمند بودید ده این بخش؟

MAPrivateKabul26082018: مه خو زیادتر از خاطر عایدش نبودم به خدا. زیاد شوق داشتم زیاد خوشم می آمد که یک انگشتر جور کن [مثلا] انگشتر که جور می کردن استاد [نام استاد] و یک لاکت جور می کرد، بسیار خوشم می آمد. زیاد علاقمندی داشتم که جور کنم.

ک: فامیل ده این زمینه کسی کار می کرده سابق ها؟

MAPrivateKabul26082018: فامیل های ما یک یازنه ام استاد حکاکی بود ده بخش حکاکی سنگ و نگینه کار می کرد. حالی هم منحیث استاد ده فیروزکوه کار می کنه.

ک: آنها نقش داشتند ده قسمت تشویق شما؟

MAPrivateKabul26082018: نی، مشوره او وقت اوقه نداشتیم.

ک: درست. تشکر!

MAPrivateKabul26082018: تشکر از شما هم.